

دنیای

بازار

ماهنامه انجمن پسته ایران
ویژه نامه بررسی مشکلات صادرات
سال چهارم - خرداد ۹۸ - شماره ۳۷



AMIN FARMS



طرح شراکتی امین پدیدار

با بیش از ۱۰ سال سابقه اجرا

راه حل مدیریت نوسانات قیمت پسته

باهدف

بالا بردن سرعت فرآوری
جلوگیری از ضرر و زیان اقتصادی باغداران و صادر کنندگان
اطمینان از فروش پسته و دریافت وجه آن
کاهش اضطراب ناشی از نوسانات بازار
افزایش امنیت نگهداری محصول



از شما دعوت می شود به ۲۵۰ باغداری پیوندید که هم اکنون در این طرح مشارکت دارند

رفسنجان، خیابان مطهری، نبش مطهری ۵۲

همراه: ۰۹۱۳ ۱۹۱۲۱۲۱

فکس: ۰۳۴ ۳۴۳۲۲۲۸۶

تلفن: ۰۳۴ ۳۴۳۲۰۵۶۰

website: www.aplgp.com

email: a.alizadeh@aplgp.com



شرکت کشت و صنعت پیوند خاوران

تولید کننده برتر پسته در استان خراسان جنوبی



بزرگترین باغدار پسته در خراسان جنوبی (سطح ۸۰۰ هکتار)
تولید کننده نهال پسته دارای تاییدیه از وزارت جهاد کشاورزی
بکارگیری تکنولوژی های روز در احداث و توسعه سامانه های آبیاری
تولید کننده برتر زعفران و زرشک



خراسان جنوبی، بیرجند، کیلومتر ۵ جاده بیرجند-کرمان، جنب دانشکده کشاورزی، مجتمع تولیدات گیاهی امام رضا (ع)
۹۷۱۷۵-۳۶۸ صندوق پستی: ✉ (۰۵۶) ۳۲۲۵۴۳۵۵ ☎ (۰۵۶) ۳۲۲۵۴۳۵۰

www.pkhco.ir



Sirjan Bonyad
Agricultural CO.

www.pistachio-tooka.ir

*The superior producer of pistachio in Iran
& the middle East*



شرکت کشاورزی سیرجان بنیاد

آدرس: کرمان-سیرجان-بلوار سید جمال الدین اسدآبادی صندوق پستی شماره ۴۶۱

تلفن: ۰۳۴)۴۲۳۰۱۱۸۳/۴۲۳۰۵۴۳۰

فاکس: ۰۳۴)۴۲۳۰۵۲۴۳



Momtazan Industrial Co.

شرکت صنایع ممتازان



شرکت صنایع ممتازان کرمان

اولین ابداع کننده سیستم فرآوری محصول پسته به روش تمام اتوماتیک و کاملاً بهداشتی با بیش از ۳۰ سال سابقه و تجربه، ترمینال های فرآوری زیر را عرضه می نماید.

- ترمینال های پوست گیری ، پاک سازی ، و جداسازی
- ترمینال های خشک کن پیوسته پسته
- ترمینال های برشته کن پسته
- ترمینال های خندان کن پسته (MO)
- ترمینال های مغز کن پسته
- دستگاه تولید باد، مقابله با سرمازدگی



■ Pistachio Processing HL 6000 RW

■ Continous Moving Drier CMD 8000 Model

■ Storag AND Sorting

■ A ترمینال فرآوری پسته مدل: HL 6000 RW

■ B ترمینال خشک کن پیوسته مدل: CMD 8000

■ C ترمینال ذخیره سازی و جداسازی: HL 6000 RW

Email: info@momtazan.com

Email: Tehran_office@momtazan.com

تلفن: ۰۲۱-۸۸۶۱ ۱۸۷۰-۷۸ : فکس: ۰۲۱-۸۸۶۱ ۱۸۶۹

تلفن: ۰۳۴-۳۲ ۷۵ ۲۵ ۰۰-۶ : فکس: ۰۳۴-۳۲ ۷۵ ۲۵ ۰۷

دفتر تهران: بزرگراه همت، خیابان شیراز جنوبی، نبش خیابان علیخانی، پلاک ۱۲

دفتر مرکزی و کارخانه: کرمان، کیلومتر ۵ جاده زنگی آباد

Tehran Office: No.12, Corner of Alikhani St, Southern of Shiraz Ave, Hemmat Highway, Tehran- IRAN Tel: (+9821) 88 61 18 70 - 78 Fax: (+9821) 88 61 18 69

Central Office & Factory: 5 th Km of Zangiabad Road, Kerman-IRAN

Tel: (+9834) 32 75 25 00-6 Fax: (+9834) 32 75 25 07



- ۸ فعالان اقتصادی تیر از پشت خوردند
- ۹ ارزش‌گزیدگی صد ساله شد
- ۱۱ دستاورد شصت ساله تکنوکراسی از فروش نفت
- ۱۳ بانک مرکزی مشورت نمی‌کند
- ۱۴ بگذارید مردم آزادانه کاسبی کنند
- ۱۵ سایه ملال آور بروکراسی دولتی
- ۱۷ ترس از تحریم و دستپاچی دولت

ماهنامه دنیای پسته

صاحب امتیاز:

انجمن پسته ایران

مدیرمسئول: انجمن پسته ایران

سردبیر: ابوالفضل زارع نظری

هیأت تحریریه:

بهار زندرضوی، سحر نخعی

و حجت حسینی

بازاریابی آگهی‌ها:

فاطمه السادات حسینی صفت

صفحه آرا: نرگس بامری

چاپ: کارمانیا

لیتوگرافی: کتیبه

انجمن پسته ایران:

تلفن: ۰۳۴-۳۲۴۷۵۷۴۹

نمابر: ۰۳۴-۳۲۴۷۸۵۵۳

نشانی: کرمان-بلوار جمهوری اسلامی

- خیابان شهید لاری نجفی، (۲۰ متری

نادر)- کوچه شماره ۲- پلاک ۱۲

کدپستی: ۷۶۱۹۶۴۳۱۴۹

سایت: www.iranpistachio.org

پست الکترونیکی:

info@iranpistachio.org

انجمن پسته ایران در قبال صحت و سقم

ادعاهای مطرح شده در آگهی‌ها، هیچگونه

مسئولیتی ندارد.

استفاده از مطالب با ذکر مأخذ مجاز است.

آگهی دعوت به مجمع عمومی سالیانه انجمن پسته ایران

از کلیه اعضای محترم پیوسته انجمن پسته ایران دعوت به عمل می‌آید در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه که رأس ساعت ۱۵ روز یکشنبه ۱۶ تیرماه ۹۸ در محل سالن زنده یاد کامیابی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان واقع در بلوار جمهوری اسلامی (نرسیده به میدان آزادی) برگزار می‌شود، حضور به هم رسانند.

به همراه داشتن معرفی نامه رسمی از سوی دیگران (در صورت نمایندگی) برای حضور در جلسه الزامی است.

لازم به یادآوری است که بر اساس ماده ۱۷ اساسنامه انجمن پسته ایران، هر عضو می‌تواند به اصالت و یا به نمایندگی اعضای دیگر در مجمع عمومی شرکت کند و هیچ عضوی نمی‌تواند بیش از یک نماینده به مجمع معرفی نماید.

دستور جلسه مجمع عمومی سالیانه:

۱- بررسی و تصویب صورت های مالی سال ۱۳۹۷ انجمن

۲- انتخاب اعضای هیئت امنای برای یک دوره چهار ساله بر اساس ماده ۲۱ اساسنامه



چالش های امروز صادرات

تشریح وضع موجود نقطه نظرات خود را مطرح کردند. در ادامه، مشروح مطالب این همایش به ترتیب سخنرانی های انجام شده، آورده شده‌اند که شما عزیزان را به خواندن آنها دعوت می‌کنم.

در ضمن، در برنامه عصر مباحث مربوط به باغبانی گنجانده شده بود که حسین حکم آبادی عضو هیئت علمی ایستگاه تحقیقات دامغان و وحید اردکانیان کارشناس کشاورزی و علی نظری عضو هیئت امنای انجمن پسته ایران با نظرات کارشناسی خود شرکت‌کنندگان را بهره‌مند نمودند. در ماهنامه تیرماه که با فاصله زمانی کمی با این ویژه نامه منتشر خواهد شد، مطالب باغبانی مطرح شده در این گردهمایی که مرتبط با فصل نیز هستند منعکس خواهند شد.

برای بعدازظهر همان روز برنامه‌ریزی گردد. افتتاحیه این گردهمایی ملی با خوش آمدگویی عبدالکریم امین‌زاده عضو هیئت امنای انجمن پسته ایران کلید خورد. سپس، غلامحسین شافعی رئیس پارلمان بخش خصوصی، سید محمود ابطحی رئیس هیئت مدیره انجمن، محسن جلال‌پور عضو هیئت امنای انجمن، اسدالله عسگرولادی تاجر نامدار پسته و خشکبار و موسی غنی‌نژاد استاد برجسته اقتصاد کشور در خصوص چالش‌های بازار پسته و اقتصاد ایراد سخن کردند، از دغدغه‌ها گفتند و پیشنهادات خود را اعلام نمودند. سپس، در پنل تخصصی این روز، مجتبی خسروتاج دبیرکل اسبق انجمن و قائم مقام وزیر صنعت و محمدرضا فرشچیان عضو هیئت امنای انجمن، در خصوص نقش انجمن و

طبق مصوبه هیئت امنای انجمن پسته ایران در اسفندماه سال گذشته و همچنین بر اساس مصوبه فروردین‌ماه سال جاری هیئت مدیره انجمن، نشست فعالان پسته کشور به میزبانی اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی استان خراسان رضوی در روز دوازدهم اردیبهشت ۹۸ برگزار شد.

شایان ذکر است، هیئت مدیره انجمن باتوجه به مسائل روز تجارت و باغبانی پسته در جزئیات برنامه این‌گونه مقرر کرد: «این همایش با عنوان نشست فعالان صنعت پسته کشور، پیرامون چالش‌های بازار پسته ایران در سال ۹۸، برای صبح تا ظهر دوازدهم اردیبهشت ۹۸ برنامه‌ریزی گردد. همچنین در ادامه این برنامه، جلسه مشترک هیئت مدیره انجمن با هیئت رئیسه اتاق خراسان رضوی و کارگاه آموزشی باغبانی

غلامحسین شافعی، رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

فعالان اقتصادی تیر از پشت خوردند

کارا تر بودند. آقای خسروتاج در جلسات تشریف داشتند، در مورد بعضی از تصمیماتی که داشت انجام می‌شد تجربه‌های تلخ گذشته یادآوری شد که ما چند بار می‌خواهیم از یک سوراخ گزیده شویم، در حالی که همه این مشکلات را قبلاً هم دیده‌ایم؟! در زمان ریاست جمهوری مرحوم آقای هاشمی رفسنجانی، همین مشکلات و بحث پیمان ارزی به وجود آمد. در خراسان اکثر صادرکنندگان حرفه‌ای کنار کشیدند. غیرحرفه‌ای‌ها جای‌شان را گرفتند و شروع کردند به پیمان خری و پیمان فروشی و من یادم هست که سال بعد از آن کسانی به عنوان صادرکننده نمونه کشوری معرفی

اقتصاد کشور ما بگذارند، خود ما به دست خودمان بیشتر و جلوتر از آنها حرکت کردیم و یک مشکلاتی برای اقتصاد کشور به وجود آوردیم که مدت‌های مدیدی طول خواهد کشید تا این مشکلات جبران شوند. تعجیل در یکسری تصمیم‌گیری‌های غیرکارشناسی و اشتباه در این قضیه بسیار اثرگذار بود. ما به عنوان فعالان اقتصادی احساس می‌کنیم که در آن زمان تیرهای فراوانی در کمان‌ها گذاشته شد و از بیرون به سمت ما پرتاب شد. ما هم رفتیم به دنبال اینکه با این وضعیت مقابله کنیم. هم‌زمان تیرهای کارایی از پشت به ما شروع به باریدن کرد. تیر از پشت را آدم موقعیت دفاع ندارد و متأسفانه آنها خیلی



بعد از اینکه مشکلات جدید در ایران به وجود آمد و خروج آمریکا از برجام اتفاق افتاد، من فکر می‌کنم که برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران ما در این قضیه از هول حلیم در دیگ افتادند! قبل از اینکه آمریکا و اطرافیانش آن اثرگذاری مورد نظر را روی

موضوع مطرح است که اگر تولید را نسبت به کارهای دلالتی و واسطه‌گری جذاب‌تر نکنید، به زور نمی‌شود تولید را رونق داد. اگر همه کارهای غیرمولد، کارهایی که در مستغلات هست، کارهایی که در دلالتی‌ها هست، سودآوری‌اش چندین برابر تولید باشد و خیلی راحت از مالیات هم معاف باشند، در ذهن فعالان اقتصادی سالم و مخصوصاً تولیدکنندگان آیا این ذهنیت تقویت نمی‌شود که در این کشور شفافیت و سالم زندگی کردن جریمه دارد؟

در عین حال، فعالان اقتصادی واقعاً نگرانی و تعصب‌شان را نشان دادند. در بخش‌های مختلف اقتصاد کشور هیچ کسی به اندازه فعالان اقتصادی در طول زمان گذشته پایداری نکرده‌است. الان هم باز مسیر را ادامه خواهند داد و ما در هر شرایطی وظیفه‌ای جز این نداریم که باز هم تلاش کنیم و به این نکته توجه کنیم که ناامیدی عاقبت خوبی ندارد.

این مملکت هستیم، بعضی‌ها خیلی این قضیه برای‌شان قابل قبول نیست. چقدر آقای جلال‌پور در مطبوعات در مورد ارز ۴۲۰۰ تومانی صحبت کردند، آقای فرشچیان در بعضی جلسات که ما می‌رفتیم عصبی می‌شدند. الان که همه حرف‌های آقایان به دیوار خورده‌است و ضایعات زیادی در این رابطه به وجود آمده، گزارش می‌شود که ارز ۴۲۰۰ تومانی اثری بر مصرف‌کننده نهایی نداشته‌است! جایی که سیاست‌های ارزی کشور با سیاست‌های تجاری هیچ نوع هماهنگی ندارد، این طوری از آب درمی‌آید.

چقدر فریاد کشیدیم که بگذارید واردات در مقابل صادرات انجام شود، این کار را نکردند و الان داریم نتیجه آن را می‌بینیم. امیدواریم که این روش، این رویه و این مسیر اصلاح شود. اگر تغییر مسیر در مورد همین مسائلی که باز هم مطرح هستند ایجاد نشود، هیچ وقت راه به جایی نمی‌بریم. در امسال که سال «رونق تولید» نام‌گذاری شده‌است، واقعاً یک

شدند و از دست ریاست جمهوری وقت لوح صادرکننده نمونه گرفتند که یک کیلو کالا به بازارهای دنیا عرضه نکرده بودند! در شرایط کنونی، ما عین همین مسائل تاریخی را به تصمیم‌گیران یادآوری کردیم. دو هفته پیش در مجلس، رئیس کل بانک مرکزی که کنار بنده نشسته بود، گفتند: ما چند صادرکننده داریم که رقم‌های خیلی بالایی صادر کرده‌اند و الان پیدایشان نمی‌کنیم! خدمت‌شان عرض کردم که مذاکرات شورای پول و اعتبار ضبط می‌شود، در جلسه‌ای که من آقای دکتر نهایندیان را به شهادت گرفتم، عین همین مسئله به ایشان گفته شده‌است. متأسفانه، گاهی وقت‌ها نوع نگاهی که تصمیم‌گیران نسبت به ما دارند، باعث می‌شود وقتی که صحبتی می‌کنیم به صحبت ما تردید می‌کنند و می‌گویند اینها دنبال جیب‌شان هستند. هر چه این بحث مطرح می‌شود که ما نگاه‌مان به مسائل میهنی و کشوری اگر از شما بیشتر باشد کمتر نیست و ما هم دلسوز

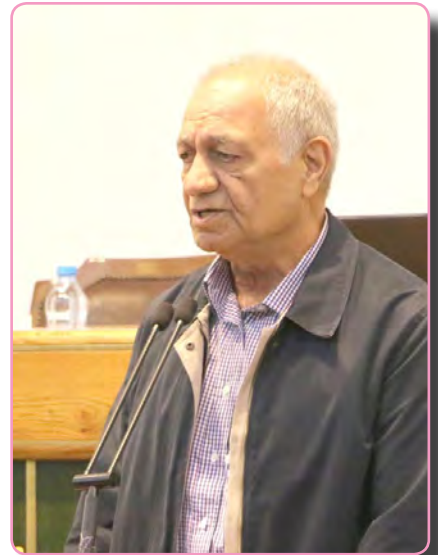
سید محمود ابطحی، رئیس هیئت مدیره انجمن پسته ایران

ارز گزیدگی صد ساله شد

به شکلی بود که باعث شد عملاً صادرات متوقف شود. وقتی صادرات متوقف شد، مرحوم آگاه می‌رود از آقای داور وقت می‌گیرد و به ایشان توضیح می‌دهد که شما می‌خواهید با ارزی که از ما می‌گیرید، چه کنید؟ بالاخره می‌خواهید یک مقداری جنس وارد کنید، اجازه بدهید که جنس را ما وارد کنیم. داور موقع صحبت آقای آگاه داشتند نامه‌های اداری را امضا می‌کردند، وقتی که به اینجا می‌رسد می‌گوید که یک بار دیگر همین حرف‌هایت را تکرار کن، وقتی که حرف آقای آگاه تمام می‌شود،

می‌کنم، آقایان دیگر بعد از من راجع به وضعیت امروز و راه حل‌ها می‌فرمایند که چه باید کرد.

در صد سال گذشته، این دفعه چهارم است که ما عین این مشکل را درست به همین صورت داریم. بار اول، در دوره رضاشاه، دوره‌ای که داور وزیر دارایی بود، دولت به خاطر تأسیس راه آهن به ارز نیاز داشت، در این شرایط آمدند گفتند هر کسی که کالا صادر می‌کند باید ارز خود را کامل برگرداند و به دولت بدهد. دو مسئله پیش آمد، اولاً، نرخ ارز اعلام شده پایین‌تر از بازار بود در ثانی، کاغذبازی و بروکراسی



تاریخچه مسائل ارزی

در تجارت پسته، مسئله ارز و مسئله پیمان، مسئله امروز و دیروز نیست. من سابقه‌اش را خدمت‌تان عرض

داور می‌گوید برو و خیالت راحت باشد که من فردا در مجلس قانونی تصویب می‌کنم که واردات در برابر صادرات باشد. این مشکل حل می‌شود و مسئله ارزی دولت هم کلاً رفع می‌شود.

بار دوم، بعد از ملی شدن صنعت نفت ما تحریم شدیم، تقریباً چیزی شبیه همین وضعیتی که الان داریم. آن موقع انگلیس‌ها ما را تحریم کردند. این دفعه دولت کالاها را به چند دسته تقسیم کرد، کالاهای وارداتی را به چند دسته، صادراتی را به چند دسته و بعد اعلام شد که هر کالای صادراتی در برابرش چه کالایی باید وارد شود. این دفعه هوشمندتر برخورد کرد، البته این که من عرض می‌کنم اینطوری نبود که بلافاصله صورت گیرد، بلکه بعد از یک مدتی کش و قوس و بحث این اتفاقات می‌افتد.

ناگفته نماند که در دوره داور که این اتفاق افتاد، نهایتاً قرار شد صادرکننده‌ای که کالا صادر می‌کند ارز خود را به دولت بدهد و یک گرویی بگیرد به اسم گرویی تصدیق صدور تا با این تصدیق صدور بشود کالا وارد نمود. آن موقع، قیمت لیره ۸ تومان بود و این تصدیق صدور تا ۱۰ تومان هم معامله می‌شد. نتیجه‌اش هم این بود که هم باعث رونق صادرات بود و هم قیمت کالاها خیلی ترقی کرد. قیمت پسته از پنج ریال به ده ریال در هر کیلو رسید. در دوره ملی شدن صنعت نفت اسمش را گواهینامه ارزی گذاشتند.

دفعه سوم، بعد از انقلاب بود. بعد از انقلاب دو مسئله وجود داشت، یکی مضیق‌ه ارزی و دوم مسئله خروج سرمایه. دولت به شدت حساس بود که سرمایه خارج نشود. مقررات خیلی سفت و

سختی برای برگشت ارز گذاشتند و چهار، پنج سال طول کشید تا یواش یواش این قضیه جا افتاد. خروجی این تصمیم در این دوره این بود که سالی هفت تا هشت هزار تن پسته از ایران قاچاق شد، قیمت پسته در بازار جهانی که قبل از انقلاب حدود ۳۵۰۰، ۴۰۰۰ دلار در هر تن بود در مقطعی به ۱۵۰۰، ۲۰۰۰ دلار رسید. یک بازار صادرات مجدد که امارات باشد، پدید آمد. به هر حال، بعد از چانه‌زنی‌های بسیار و آمد و رفت‌ها، نهایتاً چندین سال طول کشید تا دولت مقرر کرد که هر کسی که کالا صادر می‌کند بیايد ارز خود را بدهد و یک برگه‌ای به اسم واریزنامه بگیرد تا بتواند با آن کالا وارد کند. ملاحظه می‌کنید که در هر سه مورد تصمیمی گرفته می‌شود که نام اولی می‌شود تصدیق صدور، دومی می‌شود گواهینامه ارزی، سومی می‌شود واریزنامه و مکانیسم‌شان هم یکی است. مکانیسم این است که ابتدا دولت مقاومت می‌کند و می‌گوید همه ارز را باید به من بدهید، سپس عملاً صادرات به مشکل برمی‌خورد و نهایتاً منجر می‌شود به اینکه واردات در برابر صادرات انجام گیرد.

امیدوارم که تاریخ گذشته ما را روشن کند و چند بار از یک سوراخ گزیده نشویم! این دفعه چهارم است که ما داریم یک کاری را به همان صورت تکرار می‌کنیم و تنها اسمش عوض می‌شود.

سابقه تولید پسته در خراسان

در تولید پسته می‌بینید که ما مسائل زیادی از قبیل کم‌آبی و تغییرات اقلیمی را داریم و نهایتاً تبلور همه این مشکلات این است که بهره‌وری ما در تولید پسته خیلی پایین است. در حالی که بهره‌وری تولید پسته ما پایین است، رقیب ما مرتب دارد

بهره‌وری‌اش را بالا می‌برد. از طرف دیگر، بهره‌وری پایین تولید ما خودش را نشان نمی‌دهد و این به خاطر این است که قیمت‌های مان واقعی نیستند. هر چقدر که پیش‌تر برویم این مشکل در بهره‌وری خودش را نشان خواهد داد. افزایش بهره‌وری ما مستلزم این است که ما دست‌اندرکاران پسته در نقاط مختلف ایران با هم تعامل، همفکری و همکاری داشته باشیم.

استان خراسان در تولید پسته قدیمی‌ترین جای ایران است، جایی نیست که دیروز پسته‌کاری شده باشد، اما پسته‌کاری به سبک جدید در خراسان توسط آقای علم شروع می‌شود. آقای علم به واسطه آقای غلامرضا آگاه در رفسنجان، آقایان امیری، رضایی و تاج آبادی‌ها را می‌فرستند اینجا و آنها کمک می‌کنند که پسته به سبک جدید در خراسان کشت و تولید شود. جالب است که برایتان بگویم این آقایان امیری خودشان را خراسانی می‌دانند و درست هم هست و عقیده دارند که پسته را آنها از خراسان آوردند به کرمان و رفسنجان.

من می‌خواهم این‌طور نتیجه بگیرم که خراسانی‌ها نسبت به پسته باید خیلی بیشتر از این چیزی که امروز هست توجه داشته باشند و بیشتر از کار امروزشان و بیشتر از سطح مشارکت فعلی‌شان در انجمن، در نشست‌ها و همایش‌ها مشارکت داشته باشند. امروز ارتباط وجود دارد، اما در نظر بگیرید که وقتی ما حدود هفتاد سال پیش با هم ارتباط نزدیک داشتیم، الان می‌توانیم این ارتباط‌ها و آمد و رفت‌های مان را خیلی بیشتر کنیم. همه اینها باید در جهت این باشد که بتوانیم چالش اصلی پسته که کم بودن بهره‌وری است را جبران کنیم.

شرکت حقوقی هستند،
۴۸۴۶ صادرکننده فردی
هستند که هیچ اثری
هم از آنها نیست و
صادرات سنگین انجام

داده‌اند و امروز اصلاً حضور ندارند! از این ۶۵۰۰ صادرکننده، تعداد ۴۴۵ تای آنها تقریباً عمده این صادرات را انجام داده‌اند، یعنی ۲۷۸ شرکت و ۱۶۷ شخص حدود ۵ میلیارد دلار صادرات انجام داده‌اند که هیچ اثری از آنها نیست، نه صادرکننده بوده‌اند و نه هستند! همان‌هایی که از روال سیاست‌گذاری غلط و فضای ایجاد شده برای بعضی از منفعت طلب‌ها و سودجوها استفاده کردند. پیچ رادیو را که باز می‌کنید یا تلویزیون را روشن می‌کنید مرتب آقای رئیس کل بانک مرکزی و معاونین ایشان فریاد این را دارند که ۴۰ میلیارد دلار صادرات داشتیم، اما تنها ۱۰ میلیارد از آن برگشته‌است. وقتی با آنها صحبت می‌کنیم، می‌گویند که اصلاً این چهل سال مسیر و روال صادرات غلط بوده‌است. کشور چهل سال از صادرات غفلت کرده و اخیراً متوجه شده‌ایم و این هم دستاوردش است! ۶۵۰۰ صادرکننده تقلبی و تخلف کرده با میزان ارزی که اصلاً برنگشت. اینها همه نتیجه یک سیاست‌گذاری غلط، عدم پذیرش تجربه گذشته، عدم پذیرش صحبت و گفتار و نوشتار همه کسانی که دلسوز این کشور هستند.

آنچه که به نظر می‌آید، فعلاً همان روال قبل است و درب بر همان پاشنه می‌چرخد، یعنی هنوز دوستان و بزرگواران در بانک مرکزی که تصمیم‌گیر اصلی سیاست‌های ارزی کشور هستند، همان روال را دارند و باز همان بحث سامانه سنا و نیما را مطرح می‌کنند. البته از ابتدای امسال، ارز ۴۲۰۰ تومانی تقریباً کان لم یکن است و هیچ پرداختی روی این ارز انجام نمی‌شود، ولی سامانه نیما و سنا هنوز کمافی‌السابق برقرار هستند و صادرکننده با مشکلات عدیده‌ای مواجه است. در این شرایط، صادرکننده واقعی

محسن جلال پور، عضو هیئت امنای انجمن پسته ایران

دستاورد شصت ساله تکنوگرایی از فروش نفت

سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران کشور به جای اینکه به صادرات غیرنفتی و به تولید و به فعالیت‌هایی همچون صنعت پسته اهمیت دهند به جریانی مثل جریان فروش نفت و سرمایه‌های ملی همت گمارده‌اند.

اما مقایسه کنیم صادرات سال ۹۶ را با سال ۹۷ که دوران تحریم بوده و تصمیمات گرفته شده در سال ۹۷ که همه اذعان داریم و از همان روز اول مطرح کردیم تصمیمات دولتمردان نادرست بوده و سیاست‌گذاری‌های نابه‌جایی انجام شده‌است.

ما در سال ۹۶ کلاً ۴۷ میلیارد دلار صادرات داشتیم که سال ۹۷ به ۴۴,۳ میلیارد دلار تقلیل پیدا کرده و چیزی حدود ۱۲ درصد کاهش داشته‌است.

در مقابل، در سال ۹۶، واردات ما ۵۴,۵ میلیارد دلار بوده که در سال ۹۷ به ۴۲ میلیارد دلار تقلیل پیدا کرده، یعنی چیزی حدود ۱۷,۵ درصد کاهش واردات تجربه شده‌است. عملاً، حجم تجارت خارجی در سال ۹۶، ۱۰۱ میلیارد دلار بوده و در سال ۹۷ به ۸۱,۹ میلیارد دلار تقلیل پیدا کرده‌است. تراز تجاری در سال ۹۶ منفی و در سال ۹۷ به دلیل اینکه واردات مان خیلی تقلیل پیدا کرده مثبت شده‌است. این موضوع نشان می‌دهد با اینکه تراز تجاری ما در سال ۹۷ مثبت شده، اما اقتصادمان را کوچک‌تر کردیم.

در مورد تعداد صادرکنندگان باید گفت، ما تا سال ۹۶ در کل کشور حدود ۸ هزار صادرکننده داشتیم که همه این صادرات را در طول این سال‌ها انجام می‌دادند. سال ۹۷ که این تصمیمات از سوی دولت اتخاذ شده، یک‌دفعه ۶۵۰۰ صادرکننده جدید، بی‌نام و بدون اثر و نشان به صادرکنندگان ما اضافه شده‌است. از این ۶۵۰۰ صادرکننده، ۱۶۰۱



وضع صادرات کشور

ما در صادرات کجا هستیم؟ چه کردیم؟ و شرایط امروزمان چیست؟ کل صادرات ما در مدت ۶۰ سال یعنی از سال ۱۳۳۸ تا سال ۱۳۹۶ چیزی حول و حوش ۲۰۳۹ میلیارد دلار صادرات نفتی و غیرنفتی است. اگر این مدت زمان را به چند دوره تقسیم کنیم، ۱۶۲ میلیارد دلار از این صادرات مربوط به دوره پهلوی است؛ دوران جنگ یعنی از ۵۸ تا ۶۷ که برای کشور دوره پر خرجی هم بوده، چیزی حول و حوش ۱۶۵ میلیارد دلار صادرات نفتی و غیر نفتی داشتیم؛ از ۶۸ تا ۹۶، یعنی نزدیک به سی سال کلاً ۱۷۱۲ میلیارد دلار ارزش صادرات بوده‌است. اگر این سی سال را تقسیم کنیم به ادوار مختلف ریاست جمهوری، دوران آقای هاشمی ۱۵۷ میلیارد دلار، دوران آقای خاتمی ۲۳۴ میلیارد دلار، دوران آقای احمدی‌نژاد ۸۴۳ میلیارد دلار و دوران آقای روحانی از ابتدا تا به امروز یعنی تا پایان ۹۶ دور اول ۴۷۹ میلیارد دلار، می‌بینیم که هر چه پول نفت بیشتر به این کشور آمده، ما گرفتارتر و زمین‌گیرتر و مسئله‌دارتر شدیم. متأسفانه،

بیرون از گود است و صادرکننده غیر واقعی با همین اعداد و ارقامی که گفته شد از وضع فعلی حداکثر بهره‌برداری را می‌کند.

ما در دوره چهل ساله گذشته چهار بار جهش ارزی داشتیم، یک بار سال ۷۲ تا ۷۴ که ما چیزی حدود ۱۵۹ درصد جهش در قیمت ارز داشتیم، همه این معضل هم برمی‌گردد به همان سیاست تثبیت مصنوعی نرخ ارز که ما سال‌ها می‌گوییم و کسی گوش نمی‌دهد. در این دوره، افزایش قیمت ارز از ۱۶۱ تومان به ۴۱۸ تومان را شاهد بودیم، دلیل عمده آن هم بدهی‌های ارزی جمهوری اسلامی بعد از جنگ بوده‌است. دوره دوم، سال ۷۶ تا ۷۸ در دولت اصلاحات بوده، به دلیل اُفت شدید قیمت نفت که اگر یادتان باشد خیلی قیمت پایین آمد، تا نزدیک ۱۰ دلار، و ما یک افزایش نرخ ارز داشتیم که حدود ۸۹ درصد بوده و قیمت دلار از ۴۸۳ تومان به ۹۱۴ تومان رسیده‌است. دوره سوم، سال ۹۰ و ۹۱ بوده که ارز به دلیل تحریم‌ها از ۱۲۵۰ تومان به ۳۶۹۸ تومان رسیده یعنی با ۱۹۵ درصد افزایش نرخ مواجه شده‌است. دوره چهارم، از ۹۶ تا ۹۸ بوده که بالاترین جهش ارزی رخ داده، یعنی ۲۳۵ درصد افزایش و نرخ دلار از حدود ۳۹۷۰ تومان رسیده به حدود ۱۳۵۰۰ تومان. وقتی همه این دوره‌ها را نگاه می‌کنیم، ریشه اصلی مشکل همان تثبیت مصنوعی بوده، اما جرقه‌هایی که باعث آزاد شدن فنر ارز شده یک زمان بدهی ارزی، یک زمان اُفت قیمت نفت و یک زمان مسئله تحریم‌ها بوده‌است. هم‌زمان با این جهش‌ها چه اتفاقی برای کالاها افتاده؟ در تمام این دوران، کالاها به نسبت وابستگی‌شان به ارز در یک دوره‌ای افزایش قیمت پیدا کردند. بعضی از افزایش قیمت‌ها خیلی سریع بوده، مثل پسته که خیلی به ارز وابسته است و هم‌زمان با تغییر روزانه قیمت ارز، قیمتش تغییر می‌کند. بعضی کالاها هم وابستگی‌شان

یک مقدار کمتر است و تغییر قیمت‌شان زمان بیشتری می‌برد. امروز چه وضعی داریم؟ امروز میانگین قیمت کالاها ۵۸ درصد افزایش یافته و آنچه پیش رو داریم حداقل همین میزان تورم در سال ۹۸ است. اگر بحث تجربی‌اش را نگاه کنیم و با چهار دوره مقایسه کنیم، هنوز یک جهش قیمتی در کالا خواهیم داشت. روی ارز آیا جهش خواهیم داشت؟ به نظر می‌آید در شرایط فعلی خیر، چون اگر بر همان اساس سه دوره گذشته نگاه کنیم، امروز نسبت جهشی که ارز پیدا کرده به شرایطی که در آن واقع شدیم، نسبت بالاتری دارد و اگر بخواهیم با تجربه به قیمت فعلی ارز برگردیم، امروز باید حول و حوش قیمت ارز ۱۳۵۰۰ تومان، بالاتر نمی‌بود. چرا قیمت ۱۴۵۰۰ و ۱۵۰۰۰ تومان است؟ چون یک ریسک خیلی جدی در کشور وجود دارد و یک بخشی از این بالاتر بودن قیمت ارز، نگرانی و دغدغه‌ای است که نسبت به اتفاقات پیش‌رو وجود دارد. اما وضعیت امروز بازار پسته با کمبود محصول سال ۹۷ و افزایش و فراوانی احتمالی محصول سال ۹۸ جای یک بررسی جدی دارد.

تشکل‌ها و خدمات آنها

وقتی کشوری هیچ سیاست بلندمدت، استراتژی صادراتی بلندمدت، استراتژی اقتصادی بلندمدت و تعریف شده‌ای ندارد، روزمره عمل می‌کند؛ یک روز گوجه را ممنوع می‌کند، یک روز آزاد می‌کند، یک روز جلوی سیب‌زمینی را می‌گیرد، یک روز دعوای این هست که کجا سیب زمینی‌ها را چال کنیم، یک روز جریان صادرات پسته را محدود می‌کنند، یک روز هم این قضیه به خرما می‌رسد. به نظر من خیلی مهم است که در این موارد سخنگوی آن صنعت چه کسی باشد؟ پسته را در سال ۹۰، در یک صبح جمعه، جناب آقای دکتر رحیمی معاون اول وقت صادراتش را ممنوع کردند. انجمنی به نام انجمن پسته که امروز شما به واسطه همان انجمن حضور دارید حضور داشت، ۲۴ ساعت بعد با

پیگیری‌های و بنا به درخواست انجمن جلسه اضطراری هیئت رئیسه اتاق ایران تشکیل شد، جناب آقای نهایندیان ورود کردند، جناب آقای دکتر زاهدی و دوستان نماینده کرمانی در این قضیه جمع شدند و شنبه شب ساعت ۱۱ در دفتر آقای دکتر رحیمی این ابلاغیه لغو شد، حتی یک کانتینر پسته هم در گمرکات کشور نماند، صادرات روال خودش را پیدا کرد. هر چند که همین اعلام ممنوعیت صادرات صدمه خودش را به بازارهای پسته در دنیا زد، اما حضور انجمن، پیگیری انجمن، تشکلی که با تمام توان وارد قضیه شد، باعث شد که کمتر از ۴۸ ساعت همه آن چیزی که صحبت بود و بخشنامه شده بود، برگردد. اما در همین دو، سه ماه قبل از عید محصولات فراوانی را ممنوع کردند، نه هیچ‌کس توانست از ممنوعیت‌شان هیچ شکوه‌ای بکند و شرایط را برای برداشتن محدودیت و ممنوعیت بهتر کند و نهایتاً از هیچ‌کس صدای چندانی بیرون نیامد. چرا؟ چون نه گوجه، نه سیب زمینی، نه مجموعه‌های دیگر و حتی برخی محصولات استراتژیک‌تر صادراتی، چنین تشکل و چنین جنبه‌هایی را ندارد. حضور یک تشکل و حضور یک صنعت به عنوان یک تشکل می‌تواند خیلی بیش از آنچه ما امروز در تشکل‌های ملی از آنها بروز و ظهور می‌بینیم، اثرگذار باشد. به نظر من، آنچه که در تشکل‌ها مغفول است این است که خود تشکل‌ها به توانایی، سرمایه، ظرفیت و امکانی که در اختیارشان است، باور ندارند. ما بایستی در این نشست‌ها، در این زمینه، بیش از پیش با هم صحبت کنیم. امیدوار هستم که دولت‌مردان و سیاست‌گذاران امروز جامعه از تجارب گذشته بهره‌برداری کنند و از این مسیر رفته، هم در تصمیم‌گیری‌های صادراتی، هم در جهش‌های نرخ ارز و هم در ابقا و ملغی کردن محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های صادراتی، حداقل درس یک بار بگیرند و گزیده شدن از یک سوراخ برای چندمین بار را به حداقل ممکن برسانیم.

می‌گوییم هر نرخی که بازار حکم کند. اتحادیه خشکبار طی هفته جاری خیلی تقلا کرده و خیلی زحمت

کشیده‌است، انشالله که در روزهای آتی بتوانیم این موضوع را ساماندهی نهایی کنیم.

تولید پسته امسال

بعد از دو سال خشکسالی و کم محصولی، امسال خداوند عنایت کرده و آنچه که الان روی درخت می‌بینیم حدود ۲۲۰ هزار تن پسته است. اگر انشالله آفتی نیاید، از سرمازدگی گذشته، گرما هم انشالله نمی‌آید و ما بایستی از الان به فکر بازار ۲۲۰ هزار تنی برای فروش پسته‌مان باشیم. چیزی که وجود دارد این است که حدود ۳۰ تا ۴۰ هزارتن موجودی انبار از محصول ۲۰۱۷ داریم که قطعاً تا اواخر تیر و مرداد فروش می‌رود، مگر اینکه کسی نخواهد بفروشد. از همه شما خواهش می‌کنم که سعی نکنید پسته را برای سال‌های بعد انبار کنید. بگذارید پسته رد شود که سال بعد هم جایش قرار بگیرد، چون پسته در طول یک سال کهنه می‌شود و آن پسته خاصیت اصلی‌اش را از دست می‌دهد و علاقه خریداران را کم می‌کند، برای اینکه این کار را بایستی هر سال انجام دهیم.

من در جلسه گذشته انجمن پسته ایران شرکت کردم و به این جلسه هم آمدم تا اتحادیه خشکبار و انجمن پسته یک الفت و نزدیکی با هم برقرار کنند و قرار بر این باشد که یک جلسه در تهران و یک جلسه در کرمان برگزار شود، حالا هم این جلسه در مشهد است. انشالله که بتوانیم با همکاری هم این محصول ۲۰۰ هزار تنی را به خوبی به بازارها برسانیم. می‌دانید که دو کشور رقیب پیدا کردیم، یکی آمریکا است که به شدت با ما رقابت می‌کند، دیگری هم اخیراً کشور ترکیه است که رقابت ترکیه خیلی اثر ندارد، ولی رقابت آمریکا شدید است. اگر رقابت آمریکا نبود در این بهار محصول سال گذشته را به قیمت خوبی می‌فروختیم.

اسدالله عسگراولادی تاجر نامدار پسته و خشکبار

بانک مرکزی مشورت نمی‌کند

رئیس بانک مرکزی اعلام کرد که من ۱۶ میلیون دلار ارز را نیاوردم و این ادعا از اصل غلط بود. من در چهار ماه آخر سال از قصد صادر نکردم، چون از بانک مرکزی قهر کردم و عصبانی بودم، گفتم من دیگر صادر نمی‌کنم و ترجیح می‌دهم بروم در دماوند یک باغچه بخرم و شلغم بکارم تا از شر شما راحت شوم، و این سر و صدا به راه انداخت. گفتم اگر شما از من مدرکی نشان دادید که من یک سال ۱۶ میلیون دلار صادرات داشتم، من ده برابر پس می‌دهم. از این رو، تصمیم گرفتم صادرات را قطع کنم، چون معتقد بودم این کاری که می‌کنم خلاف است.

من از همه شما می‌خواهم هر جا می‌نشینید و هر جا حرف می‌زنید از اتاق‌ها بخواهید و واقعاً طرف مشورت قرار بگیرند. ما دلمان به حال کشورمان می‌سوزد.

ارز حاصل از صادرات

ظرف هفته جاری، اتحادیه صادرکنندگان خشکبار تلاش فراوانی کرد که مسئله ارز را برای صادرات پسته حل کند و تا اندازه‌ای هم حل کرد. در آخرین جلسه‌ای که دیروز صبح آقایان شمس، فرشچیان و بازیان در بانک مرکزی داشتند، بنا بر این شد که ما بتوانیم ارز حاصل از صادرات را که بایستی طبق چارچوب به کشور بیاوریم از طریق دبی یا به صورت درهم به بانک ملی دبی بدهیم و اینجا نرخ دبی را به نرخ رسمی بگیریم. ما تقلا کردیم که ارز حاصل از صادرات را به یورو تحویل دهند. من اولین معامله یورو را برای یکی از پیمان‌های صادراتی‌ام دیروز انجام دادم تا بتوانیم پیمان صادراتی را به واردکننده بدهیم. ثبت سفارش دیروز را تأیید کردند تا بتوانیم هر یورو را به قیمت ۱۵۲۰۰ تومان از این واردکننده بگیریم. البته قیمت ۱۵۲۰۰ تومان را برای مثال گفتم، ما



لزوم همکاری و مشورت

ما این را قبول داریم که با دولت بایستی همکاری کنیم، ولی توقع داریم وقتی جناب آقای شافعی با دولت حرف می‌زند، دولت هم به حرف‌های ما اعتنا کند، با ما مشورت کند. ما اصلاً از مشورت دولت برخوردار نیستیم، می‌نشینند تصمیم می‌گیرند، ولی تصمیمی که ما اصلاً نمی‌دانیم تکلیف چه هست؟! بانک مرکزی در دو ماه ۲۰ تصمیم گرفته و ۲۰ بخشنامه موجود است که من خودم بخشنامه‌هایش را الان آماده کرده‌ام. چرا یکی از این بخشنامه‌ها را با اتفاق در میان نمی‌گذارد؟ چرا به اتفاق بازرگانی نمی‌آیند؟ اتفاق نماینده ما است، آقای شافعی خودش صادرکننده بزرگ و خوبی هستند، اما متأسفانه بانک مرکزی مشورت نمی‌کند. توصیه من به بانک مرکزی این است که با ما مشورت کند تا بتوانیم کار بهتری را انجام دهیم. ما واقعاً معتقدیم که ارز حاصل از صادرات بایستی به کشور برگردد، این اعتقاد همه صادرکننده‌ها است، اما چگونه؟ نیما؟ نیما برای خارجی وجود ندارد من بارها گفتم و همه شما شنیدید.

آخرین کلام

ناراحتی زیاد است و این را همه ما می‌دانیم، ولی امید همیشه هست. از همه شما تقاضا دارم که امید را از دست ندهید. مبادا فکر کنید که به من چه؟! من امروز صبح ساعت ۵ آمدم فرودگاه، سوار شدم، آمدم، برای اینکه نگویم به من چه. آمدم به شما بگویم که من با ۸۶ سال سن، امیدوار هستم.

مال پدران مان بوده، حالا هم مال ماست. اگر هر جا دچار اشکال می‌شوید، صبح زودتر از روز قبل بروید به دفترتان و نیم ساعت بنشینید و فکر کنید، بیایید مشورت کنید. اتاق‌ها همه هستند برای مشورت، با اتحادیه‌های‌تان با انجمن‌های‌تان با سندیکاهای‌تان مشورت کنید تا بتوانیم این باری که وظیفه‌مان است، یعنی صادرات خشکبار و پسته را به سر منزل مقصود برسانیم.

عمر دست خدا است، ولی تا آنجایی که حیات داریم و می‌توانیم نیاستی امید را از دست بدهیم، نیاستی کوشش را از دست دهیم، نیاست بنشینیم تا ببینیم چه می‌شود و اگر چنین شد بگذاریم و برویم، کجا برویم؟! آنهایی که رفتند، همه پشیمان هستند. ما در این مملکت بزرگ شدیم، هستیم و خواهیم بود تا آخرین لحظات زندگی‌مان. مبادا امیدتان را از دست دهید، مملکت مال ماست، چندین هزار سال

استاد برجسته علم اقتصاد، موسی غنی‌نژاد

بگذارید مردم آزادانه کاسبی کنند

زیاد می‌کند، کسری را هم نمی‌تواند تأمین کند و از منابع بانک مرکزی برداشت می‌کند و این می‌شود تورم. افزایش نقدینگی ناشی از سیاست‌هایی از قبیل تسهیلات تکلیفی به بخش‌هایی که فاقد کارایی هستند، یارانه دادن به بنگاه‌هایی که فاقد کارایی هستند و ایجاد موسسات اعتباری که اخیراً بزرگ شدند و این همه پول خلق کردند، ریختند در بازار و تورم ایجاد کردند، خودشان هم غیبشان زده است! دولت در برابر افزایش تورم چه سیاستی پیش می‌گیرد؟ همین که تورم زیاد می‌شود و فشار بر مردم بیشتر می‌شود، دولت شروع می‌کند به سرکوب قیمت و سرکوب نرخ ارز، چون فکر می‌کند که با واردات می‌شود تورم را کنترل کرد! و فکر می‌کنند اگر نرخ ارز را پایین بیاوریم، تورم را می‌شود کاهش داد و با قیمت‌گذاری در داخل به سرکوب بازار می‌پردازد. نتیجه تلاش‌های دولت برای حل مسئله چیست؟ درست نتیجه برعکس می‌دهد! وقتی بازارها را سرکوب می‌کنید و با عنوان خدمت‌گذاری، نرخ ارز را تثبیت می‌کنید، تولید کاهش پیدا می‌کند و

و اتفاقاً در شرایط غیرعادی باید بیشتر به علم تکیه کرد. حالا پرسش این است که در شرایط دشوار کنونی چه کار باید کرد؟ برای اینکه بفهمیم شرایط دشوار کنونی چیست، اول باید ببینیم که چرا این شرایط شکل گرفت و چگونه ما به اینجا رسیدیم؟ دو عامل مهم در ایجاد شرایط فعلی وجود دارد، یکی سیاست‌های اقتصادی نادرست که در گذشته اتفاق افتاده و دومی تشدید تحریم‌ها است. البته ما چهل سال است که تحریم هستیم، کم و زیاد می‌شوند و الان در شرایط خیلی بد تشدید آنها هستیم. اما سیاست‌های نادرستی که ما را به اینجا رسانده، همان سیاست‌های غلط اقتصادی هستند که از اقتصاد دولتی، اقتصاد یارانه‌ای و به اصطلاح خود حضرات، اقتصاد مردمی نشأت می‌گیرد! که منجر به تورم و تلاطم بازار ارز می‌شود. کسری بودجه‌های مزمن که دولت همیشه داشته، به خصوص در زمان بعد از انقلاب، ناشی از اقتصاد دولتی و سیاست‌های یارانه‌ای است؛ یارانه به تولید، یارانه به مصرف، یارانه به همه، اینها حجم کسری را



اشتباهات زیادی در چارچوب سیاست‌های اقتصادی در شرایط دشوار کنونی که تحریم هم به آن اضافه شده، تکرار شده‌اند. در این شرایط دو نظر وجود دارد؛ یک، نظر دولتمردان و مسئولان اقتصادی-سیاسی ما است که می‌گویند در شرایط تحریم به آموزه‌های اقتصاد کلاسیک نمی‌شود متوسل شد. به عبارت دیگر، می‌گویند در شرایط تحریم علم را رها کنید و همین‌طوری می‌رویم جلو! یعنی اینکه علم اقتصاد و قوانین آن در وضعیت نرمال فقط جواب می‌دهد و صدق می‌کند. این استدلال شبیه این است که بگوییم در زمان زلزله و یا سیل قوانین علم فیزیک عمل نمی‌کنند. نظر دوم، نظر کارشناسی و متکی به علم است و علم هم در همه شرایط صدق می‌کند

تومان اول انقلاب! منظور این است که وضع بهتر از این وضعی که الان در آن قرار داریم، می‌شود.

در شرایطی که مسئله دولت این است که ارز کم دارد، صادرات را ممنوع می‌کند، آخر عقلانیت کجا است؟ فکر می‌کند صادرات را ممنوع کنند، مسائل مصرف‌کننده‌های داخلی حل می‌شود. مصرف‌کننده‌های داخلی همان تولیدکننده‌ها هستند، کاسب‌ها هم همان مصرف‌کننده‌ها هستند. مردم را از هم تفکیک نکنید، مردم را رودرروی هم قرار ندهید. مردم همه یکی هستند، بگذارید آزادانه راه‌شان را پیدا کنند. فضیلت تجارت آزاد این است که مردم بدون اینکه دولت خبر داشته باشد مسئله‌شان را حل می‌کنند، به شرط اینکه شما برای آنها دردسر درست نکنید.

ما یک وظیفه خیلی مهمی داریم و آن هم این است که ناامید نباشیم. کارتان را انجام دهید و خیلی به حرف این دولتی‌ها گوش ندهید! یادتان هست که یک سال پیش آقای جهانگیری، معاون اول رئیس جمهور چه می‌گفتند: «آقا این ارز ۴۲۰۰ تومان است؛ نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد؛ اگر بیشتر معامله بکنید، می‌گیریم و می‌بندیم و فلان می‌کنیم.» حالا این حرف‌ها کجا هستند؟ می‌گویند الان ما به این نتیجه رسیده‌ایم که ارز ۴۲۰۰ تومانی هیچ فایده‌ای نداشته و کالایی به این قیمت به دست مصرف‌کننده نرسیده است! خوب، آقا! کارشناس‌ها یک سال است که همین را به شما می‌گفتند، چرا حرف گوش نمی‌دهید؟! نتیجه نهایی که می‌خواهم بگیرم این است که اولاً، برای اینکه حساسیت روی پسته کم است و نرخ ارز هم بالا رفته و برای صادرات شرایط خوب است.

تشویق کنید؛ چون صادرات در هر شرایطی باعث رونق تولید می‌شود، چه در داخل و چه در خارج. در زمان اعمال تحریم‌های بیرونی که تجارت خارجی را بر ما دشوار می‌کند، سیاست‌های غلط داخلی هم تجارت داخلی را بر ما دشوار می‌کند و مشکل را مضاعف می‌کند. در این شرایط بهترین کار و درست‌ترین سیاست، سیاست تجارت آزاد است. شما اجازه دهید که فعالان اقتصادی هم در داخل و هم در تجارت خارجی آزادانه تجارت کنند، کالاهایشان را قیمت‌گذاری نکنید و نرخ ارز را دستوری تغییر ندهید. در تجارت آزاد، ضعیف‌ترین بازیگران هم نقشی برای بازی کردن دارند، این را قانون اقتصاد می‌گوید، کدام قانون؟ قانونی که به قانون همکاری ریکاردو معروف است؛ معروف به مزیت‌های نسبی. این قانون می‌گوید، ممکن است یک اتفاقی پیش بیاید که در همه زمینه‌ها بهره‌وری‌تان پایین‌تر از کشور خارجی باشد و نسبت به خارجی‌ها در همه زمینه‌ها مزیت مطلق نداشته باشید و آنها در همه زمینه‌ها مزیت مطلق بالایی داشته باشند، ولی زمینه‌هایی وجود دارد که در برخی از آنها مزیت مطلق‌شان نسبت به بقیه کمتر است و به آن مزیت نسبی می‌گوییم.

امروز، یک عده در دولت به جای تشویق تجار به صادرات، فکر می‌کنند که با جلوگیری از مثلاً صادرات پیاز، قیمت پیاز در ایران کاهش پیدا می‌کند؛ این اشتباه است. راهش این است که اگر شما تجارت پیاز را آزاد کنید، تجار از مرزهای غربی با ۱۵ هزار تومان صادر می‌کنند و از مرزهای شرقی، از پاکستان به ۱۵۰۰ تومان وارد می‌کنند و قیمت در داخل متعادل می‌شود. آزاد کنید و بگذارید مردم کاسبی‌شان را بکنند، همه مسائل حل می‌شود. البته معنی آن این نیست که برمی‌گردیم به ارز هفت

دیگر کسی تولید نمی‌کند، تولید صرف نمی‌کند؛ یعنی تورم به همراه رکود می‌شود و نتیجه رکود تورمی می‌شود. وقتی که قیمت‌گذاری انجام می‌گیرد و بازار سرکوب می‌شود، تولید هم پایین می‌آید و با کاهش عرضه، قیمت افزایش پیدا می‌کند و باز تورم می‌شود. تورم یعنی تضعیف قدرت خرید پول. وقتی که تورم می‌شود یعنی قدرت خرید پول ملی کاهش پیدا می‌کند و وقتی قدرت خرید پول ملی کاهش پیدا کرد معنایش این است که ارزهای خارجی گران‌تر می‌شود.

در مورد مسئله دوم که همان تحریم اقتصادی است، باید گفت که هدف از این تحریم‌ها محروم کردن دولت از درآمدهای نفتی است و خودشان هم اعلام کردند. البته موضوع دیگری که کمتر از آن اهمیت ندارد، جلوگیری از انتقال درآمدهای ارزی است، یعنی تحریم نظام بانکی و ایجاد مانع برای تجارت خارجی.

در برابر شرایط دشوار اقتصادی چه باید کرد؟ دو راه حل وجود دارد؛ راه حل اول، روشی است که مسئولان دولتی می‌گویند. دوباره همان کنترل قیمت‌ها و سرکوب بازارها که می‌شود همان کاهش تولید، انواع تورم، تورم رکودی و وضعیتی که ما الان در آن هستیم. الان تورم را با سرکوب قیمت نتوانستند پایین بیاورند، ولی سرکوب بازار و قیمت، نتیجه داده است! تولید پایین آمده! مردم تولید نمی‌کنند خیلی از تولیدکننده‌ها می‌گویند برنامه ما این است که به‌طور منظم تولید را کاهش دهیم و تولید خودمان را صفر کنیم، چون فایده ندارد و تولید کردن هزینه‌اش بیشتر است!

اما راه حل کارشناسی چیست؟ راه حل کارشناسی، اتکا به قوانین علمی اقتصاد است و اینکه تجارت را هر چه بیشتر

محصول هم خوب است. شما باید بیشتر برای بحث صادرات کار کنید. اینها نهایتاً خواهند پذیرفت که صادرکننده‌ها بیایند و ارزششان را به بازار آزاد بفروشند. راه دیگری غیر از این نیست و دیر یا زود خواهند پذیرفت. منتهی شما ناامید نباشید، سیاسیون زیاد

حرف می‌زنند و البته حرف‌هایشان هم خیلی هزینه دارد، ولی واقعیت این است که قوانین اقتصاد مثل قوانین فیزیک هستند و قوانین اقتصادی به خوبی عمل می‌کنند. این روزها وقتی که صحبت می‌کنم یاد نقل قول‌های مارکس و یالینن می‌افتم. لنین می‌گفت: «واقعیت‌ها سرسخت هستند؛ یعنی شما نمی‌توانید

با واقعیت بجنگید. واقعیت خودش را تحمیل می‌کند.» در شرایط ما هم همین‌طور است. واقعیت خودش را تحمیل خواهد کرد. به نظر من، آن کسانی موفق خواهند شد که امیدشان را از دست ندهند، فعالیت‌شان را ادامه دهند و گوش به حرف سیاستمدارها ندهند و به‌خاطر حرف‌هایشان مایوس و سرخورده و افسرده نشوند.

مجتبی خسروناج، معاون اسبق وزیر صنعت، معدن و تجارت

سایه ملال آور بروکراسی دولتی

به‌طور هماهنگ عمل می‌کنند.

مزیت حضور در تشکل‌ها

بهترین مزیتی که اعضا از حضور در چنین تشکل‌هایی می‌توانند از آن بهره‌مند شوند، تبادل ایده‌ها و افکار است. یکی از مهم‌ترین وظایفی که تشکل‌ها برعهده دارند این است که سعی می‌کنند از طریق ارتباط شبکه‌ای بین باغداران، تجار، بخش‌های خدماتی و تحقیقاتی با هم تبادل نظر کنند و اینکه تشکل بتواند مرتباً با ارائه اطلاعات، اعضا خود را در مورد مسائل جاری به‌روزرسانی کند.

من از اول انقلاب یادم هست که وقتی می‌خواستند یک انجمن موفق را نام ببرند از اتحادیه صادرکنندگان فرش صحبت می‌شد که از منافع و حقوق قانونی اعضا خود به خوبی دفاع می‌کرد و سعی می‌کردند در مجلس شورای اسلامی و در جلسات با مسئولین در تدوین قوانین همکاری کنند. اگر امروز بخواهیم برای فعالیت‌های انجمن پسته ایران اهم و فی‌الاهم کنیم، شاید مهمترین وظیفه این تشکل، همفکری با مقاماتی است که در جایگاه قانون‌گذاری هستند.

من فکر می‌کنم امروز بزرگ‌ترین رسالت انجمن این است که بهترین الگوها در باغبانی و در تجارت را در معرض نمایش بگذارد، دوره‌های آموزشی برگزار کند و مکانیزم‌های اطلاع‌رسانی را به‌خوبی انجام دهد.

قاچاق فراهم نکنیم! حالا اگر از من بپرسند چه باید کرد؟ من می‌گویم چرا دنبال آن ریشه‌هایی نمی‌روید که عامل خروج سرمایه و واردات قاچاق هستند؟! خیلی بهتر است که ما دلایل اصلی مقابله کنیم تا اینکه با مردم برخورد کنیم. دلیل اینکه انگیزه برای خروج سرمایه از کشور وجود دارد، چیست؟

برخی از صنایع ارزی بالایی دارند، مانند صنعت خودرو در ایران که قیمت ارز در قیمت تمام شده آنها خیلی بالا خواهد بود، اما در صنعت پسته ارزی آنچنانی وجود ندارد. شاید برای صنعت پسته اگر نرخ ارز شناور بشود خیلی مشکلی ایجاد نکند، ولی اگر در یک جمع تولیدکنندگان لوازم خانگی، صنایع شیمیایی و یا تولیدکنندگان نساجی باشند، حتماً برای آنها نرخ ارز مطرح است.

به نظر من در این شرایط همفکری با دولتمردان برای رسیدن به یک راهکار توافقی در جهت حمایت از تولید و صادرات پسته در بعد قانون‌گذاری و مقررات باید در رأس برنامه‌های انجمن باشد و یک صدای واحد از بخش‌های مختلف باغبانی و صادرات پسته شنیده شود. این صدای واحد باید بتواند در محافل مختلف در جهت منافع ذی‌نفعان خودش که اعضای انجمن هستند کار را دنبال کند. تجربیات جهانی در کشورهای پیشرفته هم نشان می‌دهد که بخش خصوصی و بخش دولتی با هم



دغدغه پیمان ارزی

طی سال گذشته که مسئله پیمان ارزی وجود آمد من همیشه این دغدغه را داشته‌ام که یک کانال باز بگذارم و اجازه دهم که صادرکننده با واردکننده با هم به توافق برسند. ما الان متفق القولیم که باید منابع صادراتی در جهت رفع نیازهای کشور مصرف شوند. امروز یک تفکری در بخش کنترل های ارزی در کشور مطرح است که چون یک نیازهای برای خروج سرمایه وجود دارد و چون یک نیازهای برای قاچاق کالا وجود دارد، بنابراین ما باید مکانیزم را طوری طراحی کنیم که ارز به آنها نرسد. همه این سامانه‌ها و کنترل‌ها و دغدغه‌ها که شما از بروکراسی آن خسته می‌شوید و هر آدم عاقلی هم خسته می‌شود، به خاطر این است که ما منابع آزادی را از محل صادرات برای خروج سرمایه و برای واردات

در تقابل بوده است، در صورتی که این منافع باید همسو باشند. باید اینگونه باشد که در زمانی صادرکننده جنس

می خواهد، باغدار حمایت کند و جنس را برساند و برعکس زمانی که باغدار می خواهد جنس را بفروشد، باید صادرکننده حامی او باشد و این جنس را بفروشد. تا زمانی که ما این زنجیره را به هم وصل نکنیم، این اتفاق خوب هیچ وقت نمی افتد.

ساختار انجمن ها

تشکل ها که در دهه های اخیر در دنیا مطرح شده اند باید یک ساختاری داشته باشند، اما متأسفانه در کشور اسامی را می گیریم و محتوا فراموش می شود. وقتی می خواهید یک تشکل را تعریف کنید اول باید یک ساختار و زیرساخت داشته باشد. این ساختار از افرادی تشکیل می شود که علاقمند هستند به این تشکل وارد بشوند و باید همگن و دارای منافع مشترک باشند. افراد این تشکل اهداف از قبل تعیین شده ای دارند، یعنی برای هر قدمی که می خواهند بردارند باید یک هدفی را تعریف کرده باشند. لازمه تعریف اهداف، به کارگیری افراد نخبه در آن صنعت است؛ افراد نخبه و صاحب فکری که در آینده جزو اعضای انجمن خواهند بود و به عنوان هیئت موسس از آنها یاد می شود. لازمه حضور در هیئت امنای و هیئت موسس یک انجمن، فعال بودن افراد آن است. در صورتی که شما فعالین را به کار بگیرید، اگر آنها دلشان برای دیگران نسوزد، حداقل دلشان برای خودشان می سوزد، بنابراین وقتی جمع بشوند یک هم صدایی به وجود می آید و این هم صدایی در بین صاحبان اصلی کار که قطعاً صراحت لهجه خواهند داشت باعث پیشبرد اهداف و منافع اعضای آن انجمن خواهد شد و مطمئناً افراد بیشتری به این تشکل جذب می شوند. متأسفانه، امروز از اکثر تشکل های ما فقط یک پوسته به جا مانده است و اعضا سرویسی نمی بینند و رغبتی به عضویت در آنها نشان نمی دهند. من همیشه معتقد هستم که ما باید پاسخگو بودن را اول از خودمان شروع کنیم تا دیگران جذب شوند و آنها هم بتوانند کارهای خوبی را رقم بزنند.

محمد رضا فرشچیان، عضو هیئت امنای انجمن پسته ایران

ترس از تحریم و دستپاچگی دولت

در ماه مهر و آبان به خاطر عرضه بیش از حد پسته به شدت قیمت ها شکننده می شود و در آذرماه که پسته های فروخته شده به مقاصد صادراتی می رسند، قیمت ها پایین می آید، بلافاصله کاهش قیمت آذرماه در بازار داخلی سبب شکنندگی فروش ما در خارج از کشور می شود. در این حالت شما نمی توانید به خریدار خارجی بگویید من دو ماه قبل با این قیمت خرید کرده ام و الان پایین آمده است. در این وضعیت ما به روزمرگی می افتمیم و خریدار خارجی هم تکلیف خودش را نمی داند.

در مقابل، برنامه ای که آمریکایی ها و شرکت پارامونت اجرا می کنند این چنین است که قیمت را در اول سال اعلام می کنند و برای هفت ماه جنس را می فروشند و بعد هم به تدریج و به صورت پلکانی قیمت را بالا می برند. این کار در جهت حفظ منافع تولیدکننده، صادرکننده و مصرف کننده خواهد بود.

ما هنوز استراتژی فروش مشخصی نداریم. ما هنوز نمی دانیم که قیمت تمام شده یک کیلوگرم پسته در ایران چقدر است؟! امروز قیمت برای کشاورز که دوسال بی محصولی را تجربه کرده چقدر باید باشد؟ خریدار خارجی هم نمی داند که قیمت تمام شده چقدر است تا بتواند برنامه ریزی کند.

بنابراین، اینجا است که وظایف تشکل ها تعریف می شود. آیا هیچ انجمنی در جهت رفع ابهام و شفافیت بازارها چه برای خریدار و چه برای فروشنده اقدامی کرده است؟! با توجه به ساختار تشکلی که شما عضو آن هستید و افراد مورد اعتمادی در آن انتخاب شده اند، آیا باغدارها در جهت ارائه دادن محصول به موقع به بازارها حرکت خواهند کرد یا اینکه این محصول در انبارها باقی خواهد ماند؟! فرق پسته ما با آمریکا این است که در آمریکا باغدار و صادرکننده یکی است. در ایران باغدار، باغدار است و صادرکننده فقط صادرات می کند و طی این سالها، همیشه منافع آنها با هم



مشکلات بازرگانی

ترس از تحریم ها و دستپاچگی دوستان در دولت اثر مخرب بیشتری نسبت خود تحریم ها داشت. اولین مشکلی که در بازرگانی کشور ما حاکم است و بارها در مورد آن صحبت شده است، این است که بازرگانی باید از قالب سنتی خارج شود. در دنیای امروز، شرکت های کوچک بازرگانی قدرت حرکت و مانور بالایی ندارند. مسئولین دولتی می گویند برای صادرات پسته شرکتی تأسیس می کنیم و با چند بانک ارتباط برقرار کرده و یک مدیر دولتی را مسئول صادرات می گذاریم! این کار قطعاً جواب نمی دهد، چون منفععی که من نوعی به عنوان صادرکننده می بینم، مدیر دولتی نمی بیند. سیاست گذار ما باید به نحوی سیاست گذاری کند و مشوق هایی تعریف کند که این انگیزه در شرکت های کوچک و متوسط به وجود بیاید که خودشان به هم ملحق شوند و تبدیل به شرکت های بزرگ بشوند. بنابراین، اولین مشکلی که بازرگانی در کشور ما دارد اندازه بنگاه های صادراتی ما است. از آنجایی که اندازه بنگاه های ما کوچک است، قدرت چانه زنی بین المللی نداریم و این عدم قدرت چانه زنی بین المللی همیشه باعث ضعف در فروش، در قیمت گذاری و در انبارداری ما خواهد بود. مسئله بعد، عدم وجود استراتژی مشخص در فروش، عرضه و انبارداری کالا است. ما روی فروش ۱۲ ماهه نمی توانیم برنامه ریزی کنیم.



شرکت آبیاران طلای سبز

مجری پروژه های آبیاری تحت فشار قطره ای - بارانی - نوار تیپ

دارای رتبه دوم کشوری (بالاترین رتبه استان کرمان)

بیش از دوازده سال سابقه اجرایی

و بیش از هشت هزار هکتار پروژه اجرا شده

در استان های کرمان - یزد و شش هزار هکتار طراحی

در استان های کرمان - یزد - مرکزی - سمنان و سیستان بلوچستان

احمد یعقوبی - کارشناس ارشد آبیاری و زهکشی مدیر عامل

شماره تلفن ۰۳۴۳۴۳۳۱۱۰۱ فاکس ۰۳۴۳۴۳۳۳۸۵۴

موبایل ۰۹۱۳۱۹۱۳۱۰۶ - ۰۹۱۳۳۹۱۳۰۶۶

اولین ارائه دهنده خدمات پسته و مغز پاک

۹۸% قبولی*

بدون افلاتوکسین

با تضمین قبولی تست مکرر افلاتوکسین براساس
استاندارد اروپا با حداقل ضایعات ممکن



شرکت نگین سیاره سبز



دارای گواهی‌های ISO 9001 , HACCP , FSSC 22000

☎ ۰۳۴-۳۲۶۱۳۰۶۸  www.nssco.ir

* آمار بالای ۹۸% قبولی بار در سختگیرترین مبادی ورودی اروپا در ۷ سال گذشته

KHANDAN



صرافی خندان

با مجوز رسمی از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت: ۴۵۶۳۵

دریافت انواع حواله های بین المللی

همگام و همراه با صادرکنندگان خشکبار در بازارهای جهانی

۰۹۱۲۱۰۸۷۱۷۵

۰۷۱۳-۳۶۰۷۷۰۰-۲